

گزینه مطلوب در شرایط کنونی؛ تقویت پایه‌های حکومت

سرمقاله

زمان عمل فرا رسیده است

محمد رضا هویدا

روز گذشته سمپوزیم بین المللی امیر علی شیر نوایی که به مناسبت گرامیداشت از ۵۷۵ مین سالروز تولد وی برگزار شده بود در ارگ ریاست جمهوری با حضور مقامات عالی رتبه دولتی و مهمانان داخلی و خارجی برگزار شد. آنچه قابل توجه بود، خوشحالی و سرور و شادمانی مردمی بود که برای اولین بار فرصت یافته بودند تا از یکی از بزرگان ادب و فرهنگ و سیاست این مرز و بوم، در عالی ترین سطح تجلیل کنند. حضور اشرف غنی رئیس جمهوری کشور در این سمپوزیم، از او یک چهره کارگشته فرهنگی که به حساسیت های اجتماعی و سیاسی این مرز و بوم آشنا است و می داند که چگونه در میان مردم سخن بگوید نشان داد. جلسه دپروزی برای تجلیل از امیر علیشیر نوایی بیشتر سیاسی بود تا جلسه ای علمی که صرف امیر علیشیر نوایی را در میان کتاب ها و اشعار و مقالات صرف جستجو کنند. در این جلسه از مردی یاد شد که نامش میلیون ها انسان را به وجد می آورد و میلیون ها انسان خود در اندیشه و آثار و افکار او می بینند.

بحث از اندیشه و اشعار امیر علیشیر نوایی بحثی ادبی است و برای جنرال و سیاستمدار و حقوقدان شاید کسل کننده باشد، اما بحث از فراموشی یک ملت و نادیده گرفته شدن میلیون ها انسان در سیاست و اجتماع، بحثی دیگری است که می تواند تواند برای هر کسی شیرین باشد. به همین جهت نیز تجلیل از شخصیت هایی مثل امیر علیشیر نوایی، فتح باب یک سنت حسنه ای در دولتداری و حکومتداری کنونی است که می تواند اقوام، فرهنگ ها و سنت ها را در کنار یکدیگر و در یک سطح بنشاند و برای همدیگرشان شناساند. شناسایی فرهنگ و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و هنری یک ملت و مردم باعث می شود تا تمامی شهروندان افغانستان خود را در آیین دولت و حکومت ببینند و بتوانند جایی برای خودشان در هر جای این دولت و حکومت پیدا کنند.

اگر مقامات عالی رتبه دولتی بتوانند خود در میان مردم و در هر جای این کشور ببینند، و عدالت اجتماعی که خواست همیشگی نسل های گذشته و اکنون این سرزمین است را تحقق بخشند، و همان گونه که از یک شاعر و ادیب پشتو زبان و دری زبان سخن می گویند از یک شاعر و ادیب و هنرمند ازبیک، بلوچ، سیک، و... سخن بگویند و ارزش ها را بر اساس قوم و زبان و سمت تقسیم نکنند، بخشی از دین خود را بر مردم ادا کرده اند.

سخن گفتن تنها از افتخارات و مشاهیر و بزرگان یک قوم نیز دردی را دوا نمی کنند، بلکه باید عدالت اجتماعی و حضور اقوام و ملیت ها را در بودجه ملی، توزیع قدرت، ثروت و امکانات و فرصت ها و زمینه های کاری نیز شاهد باشیم. چگونه می توان عدالت اجتماعی و مشترک بودن تاریخ، سرزمین، فرهنگ و سرزوش ما سخن گفت، در حالی که در فرصت های شغلی، توزیع ثروت و قدرت سهمی برابر برای شهروندان کشور در نظر گرفته نمی شود.

اندکی فراتر از شعار، شعر، مقاله و سخنرانی باید در عمل ثابت ساخت که مردان و زنان این سرزمین از هر ولایت و ولسوالی در استفاده از موقعیت و فرصت ها و ثروت ها مساوی هستند. بسیاری از ادارات دولتی از ریاست جمهوری گرفته تا ریاست امنیت ملی و وزارت های مختلف مالییه و داخله و دفاع باید بررسی شوند و اگر حقی از کسی به خاطر تعلق داشتن به قوم و مذهب و جغرافیای زندگی تلف شده است باید داده شود. فراتر از شمعار باید دید که چرا بعضی از وزارت ها و ریاست ها هرگز به یک قوم و نژاد تعلق نمی گیرند و چرا ولایت ها و وزارت ها و ریاست ها به درجه اول و دوم و سوم تقسیم می شوند و عده ای راهی برای ورود به درجه اول ندارند.

حکومت وحدت ملی نتیجه ای ماه ها «تنش سیاسی» میان دو تیم انتخاباتی اصلاحات و همگرایی و تحول و تداوم است. در آن زمان، جان کری وزیر خارجه ای آمریکا در میان دو تیم پادریانی کرد، مردم از خستگی و نگرانی های بی هم که سراغ شان را می گرفت، دو دور رای دادن را فراموش کردند و سیاستمداران نیز به گونه ای توافق به دست آمده به منظور خروج کشور از بحران سیاسی را پذیرفتند. در آغاز، وضعیت به گونه ای بود که همه نیروهای سیاسی بازیگر، شامبل دو تیم بودند و حامد کرزی و حلقه ی سیاسی مربوط به او، از حامیان دولت وحدت ملی و از زمره ی مخالفان تشکیل اپوزیسیون در شرایط کنونی. از این رو برای پنج سال جامعه ی سیاسی فاقد اپوزیسیون پیش بینی می گردید. نگرانی از این بود که در نبود قدرت سیاسی منتقد و ناظر که به صورت مداوم و جدی فعالیت ها و کارکردهای حکومت را رصد کند، فضای سیاسی به سمت استبداد و «یکه تازی» به پیش نرود. اما پس از تقسیم قدرت ترین جریان سیاسی منتقد، شاید بتوان گفت که شعورای حراست و ثبات است. نخبگان جهادی که در بخش های از کشور نفوذ داشته و مردم تنها حرف آن ها را می پذیرند، مقام های حکومت قبلی و برخی از نزدیکان سیاسی حامد کرزی که صبحانه را یک جا با اینشان صرف می کنند، در این سورا عضویت دارند. اما حلقه های منتقد سیاسی، گذشته از بزج نظارت و انتقاد از کارکردها، بحث پایان دوره ی کاری این حکومت را طرح کرده و تاکید کردند در صورت که لویه جرگه ای اصلاحات قانون اساسی برگزار نشده و در مورد آییندگی کشور تصمیم اتخاذ نشود، دوره ی کاری حکومت کنونی نیز پایان می یابد. گپ و گفت های وجود داشت که این موضع گیری ها مایه نگرانی دو تیم برسر قدرت شده و هراس از این داشتند که مبادا در لویه جرگه ای دایر شده ترتیبات سیاسی طوری می تابد؛ و آیا همکاران بین المللی که

چیده شود که عمر حکومت کنونی پایان یابد. از این رو، شایعه های وجود داشت که لویه جرگه برگزار نشده و ریاست جمهوری ریاست اجرایی به گونه ای با هم تعامل خواهند کرد. ولی آقای جان کری وزیر امور خارجه ای آمریکا به مثابه قدرتمندترین متحد و هم پیمان کشور که حکومت وحدت ملی نیز توسط دستان پرپارش ساخته شده است، بحث دیگری را مطرح کرد. او تاکید کرده که در موافقت نامه سیاسی میان دو تیم انتخاباتی که منجر به تشکیل حکومت گردید، تاریخ پایان حکومت مشخص نشده و در هر حالت تا جوزای سال پنجم دوام خواهد کرد. هنوز موضع گیری سیاسی حلقات منتقد که بحث پایان دوره ی کاری را مطرح کرده اند، مشخص نیست که چه واکنش در برابر سخنان مرد بحران شکن نشان می دهند، اما به نظر می رسد که حمایت از دولت کنونی و تقویت پایه های آن در شرایط کنونی منطقی و خردمندانه است. درست است که این حکومت نه بر اساس انتخابات و رای مردم بلکه بر اساس توافق نخبگان سیاسی تشکیل شده و چالش های متعدد نیز وجود دارد. اما آیا راه حل، برگزاری انتخابات است؟ آیا وضعیت امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کشور برگزار می تواند؛ و آیا همکاران بین المللی که

عبدالرحمن فهیمی



هزینه های مالی انتخابات را پرداخت کرده اند و زمین پس نیز توقع می رود پرداخت کنند، تمایل و علاقه ی به پرداخت هزینه های انتخابات زودهنگام دارند؟. به نظر می رسد که در این وضعیت بحرانی امنیتی که ولسوالی ها و ولایت سقوط می کند، وضعیت نگران کننده ی اقتصادی و اجتماعی که هزاران جوان کشور را ترک می کنند و چرخه ی اقتصادی از فعالیت بازمانده است، کشور تحمل بحران دیگر را ندارد. اگر بدون اعمال اصلاحات انتخاباتی لازم انتخابات برگزار گردد، بازهم تنش سیاسی مانند سال ۱۳۹۲ پیش خواهد آمد و شاید هم به مراتب حادتر و شدیدتر از آن باشد. از سوی دیگر هزینه های مالی برگزاری انتخابات از سوی جامعه ی جهانی پرداخت می شود. وضعیت مالی خود ما به اندازه ی نیست که بودجه را تامین کنیم. در این صورت طوری که استنباط می شود جامعه ی بین المللی تمایل به پرداخت هزینه های انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری ندارد. بنابراین، راه حل منطقی و خردمندانه این است که در راستای تقویت پایه های حکومت کنونی تلاش گردد. در این عرصه تحقق تعهدات و مفاد موافقت نامه سیاسی سال، اصلاح نظام انتخاباتی، توزیع تذکره

کنار رفتن یوسف نورستانی بسنده شود. با آن که قانون ثبت احوال نفوس توسطه کمیته قوانین ریاست جمهوری تعدیل شده و ظاهرا جالش و تنش حل شده است، ولی عزم جدی و راسخ جهت توزیع تذکره باید موجود باشد. قانون اساسی چالش های فراوان دارد. گذشته از بحث ایجاد سبب صدر اعظم اجرایی موارد متعددی است که در قانون اساسی بدان ها پرداخته نشده و یا گنگ مانده است. ایجاد پست صدراعظم اجرایی گام در راستای تمرکز زدایی از قدرت است. همین اکنون که ریاست اجرایی با تشکیلات بزرگ وجود داشته و موافقت نامه حکومت وحدت ملی بر تصمیم گیری مشترک و مشورتی و نقش ریاست اجرایی در اداره ی مملکت تاکید می کند و نیز بحث های نظیر تیرگی روابط دو رییس برسر برخی مسائل شنبه می شود، قدرت، بیش از حد به ریاست جمهوری و شخص رییس جمهور محدود است. حکم تفری معینان وزارت خانه ها و ده ها پست دیگر ماه ها در «زوک» میز و بعد ماه ها روی میز در ریاست جمهوری می ماند و هر صبح گرد و خاکش پاک می شود تا امضا شود. مقام های پایین تر از وزیر را رییس جمهور در جلسه به صورت شفاهی و بدون رعایت برخی نزاکت های سیاسی و اداری جواب می دهد و..... این ها نماند و نموده های کوچک از تمرکز بیش از حد قدرت است. این امر روند کار را کند کرده و به زیان منافع کلان ملی نیز نخواهد بود.

چالش صحتی در کشور مانع توسعه انسانی

عبدالله هروی



بسه هر روی در شرایط کنونی بسر بنیاد مسئولیت های که وجود دارد و نیز فرصت هایی که باقی مانده است باید برای بازسازی کشور و سسائماندهی جامعه و بر گرداندن سلامتی جسمی و روحی کشور جدای از سایر بخش ها و اجزای جامعه و نظام حاکم نمی تواند باشد. متاسفانه یک چالش ریشه ای و بنیادی این است که میزان فساد و کم کاری در ساختار حکومت در همه عرصه ها فراوان و جدی است. به همان پیمانه که مسئله فساد بسیار بخش های کشور را تحت تاثیر قرار داده است عرصه صحت عامه نیز از آن متاثر گردیده است. نکته دیگر این که متاسفانه در ساختار حکومت و برنامسه ریزی های آن اولویت بندی های لازم و دقیقی نیز وجود نداشته است. مدیریت و برنامه ریزی حکومت به میزانی از ضعف و عدم دقت رنج می برده است که هرگز اولویت بندی های اساسی مدنظر نبوده است. در شرایطی که بسیاری از بخش های اساسی و بنیادی کشور نیازمند بودجه و حمایت لازم می باشد امکانات و بودجه مورد در موارد غیر ضروری هزینه گردیده است. عدم دقت در اولویت بندی از جانب دیگر سبب گردیده است که در فرآیند و تربیت کادر لازم نیز اثر منفی خود را بر جای گذاشته است. بطور مثال اگر سطح شهر کابل را در نظر بگیریم تعداد از معاینه خانه ها و شفاخانه های با ادعاهای کذابی فراوان و بی شمار است، اما متاسفانه از لحاظ تخصص و دانایی و توانایی نزدیک به صفر بوده و حتا در مواردی متاسفانه در درمان بیماران به دلیل تشخیص نادرست یا ارائه داروی اشتباه و ناپجا و یا تاریخ گذشته نتیجه معکوس داشته است. نکته مهم دیگری که باید یاد آوری شد این است که همه افغانستان کابل یا شهرهای بزرگ نیستند، باید مناطق دور دست و

شهروندان را تحت پوشش قرار می دهد. و در همین حال بسر بنیاد گزارش های صحتی سالانه صد ها تن از شهروندان به اثر بیماری برای چون سرطان، توبرکلوز و دیگر بیماری ها جان خود را از دست می دهند. در ادامه چنین وضعیتی متاسفانه آمار مرگ و میر مداران نیز در کشور به دلیل عدم آگاهی صحتی و یا عدم دسترسی به زمینه های جان خود را از دست می دهند. چنین شرایطی از سویی سبب گردیده است که بسیاری از هم وطنان بخاطر نبود خدمات صحتی معیاری و دواهای با کیفیت به خاطر ندانوی به بیرون طریق از کشور خارج نمایند. چنانچه حدود دو ماه قبل وزیر صحت عامه کشور نیز اعلام داشت که هفتاد درصد بیماری ها در کشور، نادرست تشخیص داده می شوند و سالانه بیش از صد میلیون دالر به دلیل ندانوی بیماران از کشور خارج می شود. نکته اساسی و مهم در این باره مسئله ارایه ارقام و اعداد نیست، بلکه آنچه از مجموع گزارش های یاد شده می توان بدست آورد این است که افغانستان در همه زمینه ها متاسفانه با چالش های جدی روبرو می باشد. چالش صحتی در کشور از چند جهت حایز اهمیت بوده و باید نسبت به آن جدی بود. نخست این که عدم دسترسی به مراکز صحتی و نهادینه نشدن وضعیت صحتی در جامعه سبب خواهد شد که هزاران انسان در اثر کوچکترین و ناچیز ترین عامل به بیماری های سخت و لاعلاج مبتلا گردد. دوم این درمان و ندانوی این بیماران بخاطر نبود امکانات و شرایط درست دشوار بوده و سفر به خارج نیز هزینه سنگین و حتا جبران ناپذیری را بسر دوش خانواده ها و کشور تحمیل نماید. سوم این که در اثر عدم تدانوی درست جان بسیاری از هم وطنان ما

دردی را دوا نمی کنند، بلکه باید عدالت اجتماعی و حضور اقوام و ملیت ها را در بودجه ملی، توزیع قدرت، ثروت و امکانات و فرصت ها و زمینه های کاری نیز شاهد باشیم. چگونه می توان عدالت اجتماعی و مشترک بودن تاریخ، سرزمین، فرهنگ و سرزوش ما سخن گفت، در حالی که در فرصت های شغلی، توزیع ثروت و قدرت سهمی برابر برای شهروندان کشور در نظر گرفته نمی شود.

ولسوالی های دور افتاده را از نظر نباید دور داشت. مناطقی که مردم به ابتدایی ترین امکانات و شرایط صحتی و درمانی مطلوب دسترسی ندارند، طبیعی خواهد بود که در چنان شرایطی افراد ناباب و سوء استفاده جو از وضعیت بهره برداری می نمایند. بنابراین مردم به گزارش های یاد شده ایجاب می نماید و تاکید می گردد که حکومت و وزارت صحت عامه در زمینه بهبود بخشیدن به وضعیت صحتی کشور و درمان و دسترسی مردم به امکانات و خدمات درمانی و صحتی اولویت بندی و برنامه ریزی دقیق داشته باشند. هم چنین بودجه کافی بایستی در این بخش اختصاص یابد. از تجارب و آسیب شناسی عملی و برنامه ریزی سال های گذشته باید عبرت گرفته شود. نکته تکمیلی موضوع این است که تحقق همه این شرایط به وضعیت کلی حکومت یعنی مبارزه با فساد و حکومت داری خوب و تامین امنیت نیز ارتباط دارد.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷



روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper